

مطالعه مردم‌شناختی مراسم عاشورا در شهر اردبیل

احمد محمدپور^۱، رامین شاهی‌زاده^۲

(تاریخ دریافت ۸۹/۹/۱۴، تاریخ پذیرش ۹۰/۹/۳۰)

چکیده

آیین‌های سوگواری ماه محرم در شهر اردبیل پدیده مذهبی ساده‌ای نیست، بلکه چنان کیفیتی را داراست که خصایص یک نمود زنده و فعال فرهنگی و اجتماعی را آشکار می‌سازد. هدف این مقاله درک و توصیف دقیق مراسم عاشورا در جامعه اردبیل به‌عنوان میراثی فرهنگی در زمان کنونی و تحلیل مردم‌شناختی کارکردهای اجتماعی این مراسم در جامعه مورد بررسی است. مقاله حاضر می‌کوشد با تکیه به روش مردم‌نگاری، توصیفی جامع، عینی و بدون استنتاج ارزشی از سنن و رسوم عزاداری حسینی در اردبیل ارائه دهد و بر مبنای نظریات امیل دورکیم و کلیفورد گیرتز کارکردهای این مراسم را در حیات اجتماعی و فرهنگی مردم بررسی کند. یافته‌های تحقیق در دو دسته کلی «ترتیب و کیفیت برگزاری مراسم عزاداری» و «علائم و نشانه‌ها در مراسم عزاداری» موضوع‌بندی شده‌اند. نتیجه کلی آن است که افراد با شرکت در مراسم عاشورا، هویت جمعی و تشخیص اجتماعی می‌یابند و فردیت آن‌ها در خدمت «وجدان جمعی» قرار می‌گیرد. علائم و نمادهای به‌کاررفته در مراسم عزاداری که مأخوذ از نظام فرهنگی جامعه مورد بررسی است، تعلق عزاداران به یک جمع مشخص را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: تحلیل مردم‌شناختی، مردم‌نگاری، مراسم عاشورا، شهر اردبیل.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا a.mohammadpur@basu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰

مقدمه و طرح مسئله

از واقعه عاشورا حدود ۱۴۰۰ سال می‌گذرد و طی این مدت این واقعه پیوسته در زندگی مردم ایران حضور داشته است. مراسم بزرگداشت عاشورا در ایران پدیده مذهبی ساده‌ای نیست، بلکه چنان کیفیتی را داراست که خصوصیت‌های یک نمود زنده، فعال و پویا، ذوقی و هنری، فرهنگی و اجتماعی را آشکار می‌سازد. لذا، به‌درستی، برخی آیین‌های مذهبی را همانند «پنجره‌ای به سوی پویایی‌های فرهنگی که از طریق آن‌ها مردم دنیای خود را می‌سازند و آن‌را مشخص می‌کنند»، تلقی کرده‌اند (بل، ۱۹۹۲: ۳). مراسم عاشورا به‌عنوان یکی از عناصر فرهنگی اقوام ایرانی ریشه در باورها و اندیشه‌های آن‌ها دارد. این مراسم که طی دوران متمدنی و به‌تدریج شکل گرفته و به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه از نسلی به نسلی منتقل شده‌اند، بدون شک در زندگی ایرانیان تأثیرات مثبت و منفی نیز داشته است.

آیین‌های سوگواری ماه محرم به‌عنوان واقعیتی مسلم در زندگی اجتماعی مردم شیعه ایران‌زمین از دیرباز جایگاه مهمی داشته و در هر منطقه‌ای از ایران با توجه به فرهنگ خاص آن منطقه با جلوه‌ها و شیوه‌های خاصی بروز و ظهور نموده است. با این وصف، ثبت و ضبط و معرفی این سنن و شعائر به‌عنوان پدیده‌هایی اجتماعی و فرهنگی در جامعه مفید به نظر می‌رسد. در زندگی ماشینی و جدید امروزی که بشر گاه به عمد و گاه به سهو در مسیر انکار گذشته گام نهاده، تلاش عالمانه و محققانه در جهت ثبت و توصیف این آیین‌ها و سنن آن‌ها را از خطر فراموشی در امان نگاه خواهد داشت. این تلاش در تضمین ماندگاری فرهنگ خاص یک ملت، که خود نیز جزوی از کل آن به شمار می‌رود، مفید به نظر می‌رسد.

مراسم عاشورای حسینی یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین مراسم کشور ماست که منشأ تحولات و هنجارآفرینی فراوانی در کنش‌های فردی و اجتماعی بوده است. گستردگی مراسم عاشورا از دو سو قابل بررسی و تأمل است. از یک سو، به دلیل تنوع کنش‌هایی که در آن انجام می‌گیرد، مانند انواع کنش‌های متنوعی که در قالب عزاداری صورت می‌گیرد؛ از سوی دیگر، به دلیل دامنه برگزاری آن که در سراسر کشور در همه محله‌های شهری و روستایی و با حضور همه قشرها و گروه‌ها... برگزار می‌شود (جمشیدی‌ها و قبادی، ۱۳۸۶).

یکی از مراکز ظهور و بروز پرمعنا و حیرت‌انگیز مراسم عاشورا، که همیشه با توجهات اجتماعی همراه بوده، شهر اردبیل است. با این ادعا، آنچه در این تحقیق محل تأمل خواهد بود، مطالعه آداب و رسوم عزاداری حسینی در اردبیل به صورتی عینی و بدون استنتاج ارزشی است که از نوع مطالعات مردم‌شناسی قلمداد می‌شود. این تحقیق در پی آن است که با روش مردم‌نگاری، توصیفی جامع از فرهنگ و سنن و رسوم عزاداری حسینی در شهر اردبیل ارائه

دهد و نقش و نتیجه این مراسم را در حیات فرهنگی و اجتماعی مردم مطالعه کند. بنابراین، تلاش این تحقیق متوجه شناخت کارکردهای مثبت اجتماعی مراسم عاشورا خواهد بود. اکنون براساس اهداف یادشده و رویکرد نظری مقاله، می‌توان پرسش محوری پژوهش حاضر را به این شکل مطرح کرد: مردم شیعه اردبیل چه باورها و مناسکی درباره عاشورا دارند و این مراسم چه کارکردی در حیات اجتماعی و فرهنگی آن‌ها دارد؟

چهارچوب نظری

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، مراسم عاشورا پدیده مذهبی ساده‌ای نیست، بلکه این مراسم به‌عنوان «واقعیتی اجتماعی» دارای کارکردهایی در جامعه است. بررسی این کارکردها در جامعه مورد بررسی با رویکردی دورکیمی انجام خواهد گرفت. برای فهم جایگاه نمادها در مراسم عاشورا از رویکرد نظری کلیفورد گیرتز که «کارکردگرایی دورکیمی را با تحلیل نمادین به هم پیوند می‌دهد» (میلر، ۲۰۰۵: ۳۰۰) استفاده خواهد شد.

آیین‌شناسی تا اندازه بسیاری وامدار امیل دورکیم و پیروان اوست. دورکیم میان جهان اجتماعی، وجدان اخلاقی و مناسک مذهبی رابطه‌ای خاص برقرار می‌کند. به نظر او اقتدار اخلاقی اجتماع از خلال مناسک مذهبی به فرد انتقال می‌یابد و تعهدات و پایبندی‌های مشترک به عقاید و حدود اجتماعی ممکن است در جریان زندگی روزمره تضعیف شود. جوامع برای مقابله با این نیروهای گریز از مرکز باید پیوسته خود را «بازسازی» کنند. این بازسازی از طریق تحکیم التزام به مجموعه‌ای مشترک از عقاید و اعمال صورت می‌گیرد و آیین، سازوکاری عمده در این بازسازی جامعه ایفا می‌کند.

آیین‌های مذهبی برخلاف کنش‌های اقتصادی که در آن مردم جداگانه زندگی می‌کنند و بیشتر به دنبال اهداف فردی خود هستند، با برقراری روابط عاطفی مثبت سبب انسجام و یکپارچگی بین شرکت‌کنندگان می‌شوند. افراد در غلبان ناشی از مناسک مذهبی به هم نزدیک می‌شوند و نوعی همدلی با هم پیدا می‌کنند (آرون، ۱۳۶۳: ۳۸۳). در ایام برگزاری این مراسم، افراد در کنار یکدیگر به‌گونه‌ای متفاوت با اوقات معمولی دست به کنش‌های واحدی می‌زنند و خود را از دیگران باز می‌شناسند.

دورکیم معتقد است آیین‌های مذهبی از طریق تحمیل انضباط بر نفس و قدری خویش‌داری، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازند. تشریفات مذهبی مردم را گرد هم می‌آورند و بدین‌سان، پیوندهای مشترکشان را دوباره تصدیق می‌کنند و در نتیجه،

همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند. اجرای مراسم مذهبی، میراث اجتماعی گروه را ابقا و احیا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد (کوزر، ۱۳۷۰: ۲۰۰).

اما کلیفورد گیرتز (۱۹۷۳) پا را فراتر گذاشته و نقش اساسی تری را برای مناسک در نظر می‌گیرد. از نظر او مهم‌ترین سازوکار ایجادکننده ایمان مناسک است. ایمان مذهبی در جریان مناسک ایجاد می‌شود و پذیرش مرجعیتی که حاکم بر چشم‌انداز مناسک مذهبی است، از خود مناسک سرچشمه می‌گیرد. مناسک هم مفاهیم کلی مذهبی را صورت‌بندی می‌کند و هم تکلیف مرجعیتی را مشخص می‌سازد که پذیرش و حتی الزام به پذیرش این مفاهیم مذهبی را توجیه می‌کند. در مراسم و آیین‌های دینی است که آمیختگی نمادین روحيات معنوی و جهان‌بینی به وجود می‌آید و آگاهی‌های معنوی مردم را شکل می‌دهد. آیین یا مناسک، یک مفهوم و یک واژه تعیین‌کننده در اندیشه گیرتز است. آیین‌ها یعنی پذیرش اقتداری که در ورای نگرش دینی نهفته است. نگرشی که خود آیین‌ها آن را تجسم و عینیت می‌بخشند، از تحقق و فرآیند اجرای خود آیین‌ها ناشی می‌شوند. آیین‌های دینی نظم و ترتیب خاصی را در اعمال و عقاید مؤمنان ایجاد می‌کنند و این نظم و ترتیب‌ها تأثیر بسزایی در موضوعات مختلف زندگی روزمره و واکنش‌های عملی گذاشته و جلوه خاصی در احساس، یعنی هم در حالت روحی و معنوی مسلط و هم در تمایل و انگیزه ویژه ایجاد می‌کند. رابطه دین با جامعه رابطه یک‌سویه و منفعلانه‌ای نیست، بلکه دین فعالانه وارد میدان می‌شود و نه تنها نظم اجتماعی را تفسیر و تحلیل می‌کند، آن را ایجاد می‌کند و بدان شکل و ماهیت می‌بخشد.

به گفته گیرتز، دین به‌منزله بخشی از یک فرهنگ، با نمادهای مقدس و کارکردهای آن‌ها سروکار دارد. نمادهای مقدس روحيات آدم‌ها را از جهت عقلی، منطقی جلوه می‌دهد، زیرا این روحيات را به صورت شیوه‌ای از زندگی نشان می‌دهد که با محتوای جهان‌بینی آن‌ها تطبیق آرمانی دارد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۷۸).

گیرتز نمادهای مقدس را دارای کیفیت مضاعف بی‌همتایی می‌بیند. این‌ها از یک‌سو باز نمودی از نحوه وجود چیزها به دست می‌دهند، یعنی کیهان‌شناخت و مابعدالطبیعه، و از سوی دیگر راهنما یا برنامه‌ای برای عمل انسانی ارائه می‌دهند، یعنی اخلاق و زیبایی‌شناسی. بدین‌سان، نمادهای مقدس هم بیانگر یک «هست» می‌باشند و هم بیانگر یک «باید». لذا دین شامل مجموعه‌ای از چنین نمادهایی می‌شود که تشکیل‌دهنده یک کل منتظم و بسامان، یعنی نظام نمادین، است که به کردار انسان و رویدادها معنی می‌دهد. نمادهای دینی در این تعبیر به دو نحو عمل می‌کنند: الف) تصویری از واقعیت را بیان می‌کنند (ب) با برانگیختن اصول و انگیزه‌های معین به واقعیت شکل می‌دهند (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۴۵-۶).

در مناسک و آیین‌های مذهبی یعنی جشن‌های بزرگ و نمایش‌های فرهنگی - مذهبی است که آمیختگی نمادین روحيات معنوی و جهان‌بینی به وجود می‌آید و آگاهی‌های معنوی مردم شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، کارکرد اصلی دین به‌مثابه نظام فرهنگی از خلال مناسک مذهبی و به‌ویژه مناسک جمعی و بزرگ انجام می‌پذیرد (فیاض و رحمانی، ۱۳۸۵: ۲۱۷).

آن‌گونه که گیرتر می‌گوید، مناسک و آیین‌های مذهبی نظم و ترتیب خاصی را در اعمال و عقاید مؤمنان ایجاد می‌کنند و این نظم و ترتیب‌ها تأثیر بسزایی در موضوعات مختلف زندگی روزمره و فضای روزانه فهم عمومی و واکنش‌های عملی گذاشته و جلوه خاصی در احساس، یعنی هم‌حالتی روحی و معنوی و هم‌تمایل و انگیزه‌های ویژه ایجاد می‌کنند (گیرتر، ۱۹۷۳: ۱۱۸-۱۱۱).

روش تحقیق

مقاله حاضر با توجه به انعطاف‌پذیری موضوع مورد مطالعه به روش‌شناختی کیفی تکیه کرده و از فنون رایج در روش مردم‌نگاری برای گردآوری و تحلیل اطلاعات استفاده می‌کند. در این راستا از سه شیوه اسنادی، مشاهده مشارکتی و مصاحبه برای فهم مراسم عاشورا از دیدگاه محلی و ارائه توصیفی ژرف و عینی از آن استفاده شده است. این توصیف در مواردی با تحلیل قرین شده، چراکه «وقتی ما دست به توصیف دقیق چیزی می‌زنیم، خود این توصیف یک تحلیل است» (فکوهی، ۱۳۸۵: ۴۸۰). در ذیل به چگونگی استفاده از فنون مردم‌نگاری در فرایندهای مختلف این تحقیق اشاره می‌شود:

- روش اسنادی: برای مطالعه پیشینه موضوع و آشنایی با ادبیات مرتبط از این روش استفاده شده است. همچنین بررسی جنبه تاریخی نمادهای به‌کاررفته در مراسم، با تکیه بر این روش انجام گرفته است.

- مشاهده مشارکتی: این تکنیک انسان‌شناختی برای برقرارکردن ارتباط‌های مؤثر با اهالی منطقه و فهم و گزارش درست وقایع به‌کار رفته است. برای مشارکت در زندگی مردم و آمیختگی با حیات آنان در ایام برگزاری مراسم عاشورا، ابتدا با چند نفر از افراد بانفوذ محلی که مسئولیت مهمی را در اجرای این مراسم برعهده داشتند (بعضی از رؤسای هیئت‌ها) گفتگوهایی به عمل آمد و اهداف تحقیق برایشان تشریح شد. آن‌ها نیز با آگاهی از اهداف تحقیق زمینه مناسبی را برای کسب اطلاعات از طریق مشاهده مشارکتی در میدان تحقیق فراهم کردند. تلاش محققان بر این بوده است که طی ایام سوگواری ماه محرم سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸

حداکثر استفاده را از زمان برای حضور در میدان و مشارکت در مراسم عاشورا به عمل آورند تا بتوانند به ثبت و گزارش دقیق مشاهدات، شنیده‌ها، اعمال افراد و وسائل پیرامون آن‌ها بپردازند. - مصاحبه: دریافت‌ها و تعبیرات حاصل از مشاهدات، از طریق مصاحبه با افراد مطلع آزمون شده و تکمیل یا تصحیح شده‌اند. این امر خود می‌تواند اعتبار و عینیت داده‌ها را بالا ببرد. از سوی دیگر، برای گردآوری اطلاعات دربارهٔ مراسمی که در گذشته معمول بوده‌اند، ولی در زمان تحقیق وجود خارجی نداشته یا دگرگونی اساسی یافته‌اند نیز از کمک اطلاع‌رسان‌ها استفاده شده است.

میدان این تحقیق را محلات قدیمی و مرکزی شهر اردبیل - که به محلات شش‌گانه معروف‌اند و متکفل اجرای مراسم عاشورا در اردبیل می‌باشند - تشکیل داده است. البته همهٔ این محلات و شعب تابعه آن‌ها به یک اندازه مورد توجه و دقت پژوهش حاضر نبوده‌اند، بلکه در فرایند مشاهده و مشارکت در میدان تحقیق و با استفاده از کمک اطلاع‌رسان‌ها، مراسم عزاداری در محلات «عالی‌قاپو» و «طوی» - که معرفی بسیار خوبی از جامعهٔ مورد پژوهش محسوب می‌شوند - بیشتر مدنظر بوده‌اند.

یافته‌ها

الف) کیفیت و ترتیب انجام مراسم عزاداری مراسم استقبال از ماه محرم

آغاز مراسم عزاداری ماه محرم در شهر اردبیل هشتم ذی‌حجه است. شهر اردبیل از قدیم به شش محله تقسیم شده است که به محلات شش‌گانه معروف‌اند. در قدیم سه محله به نام نعمتی‌ها و سه محلهٔ دیگر به نام حیدری‌ها مشهور بوده‌اند. نعمتی‌ها عبارت بودند از محلات گازران یا اونچی‌میدان، سرچشمه یا چشمه‌باشی، و محلهٔ دروازه یا عالی‌قاپو. همچنین حیدری‌ها عبارت بودند از محلات طوی، اوچدکان و پیر عبدالملک. سایر مناطق شهر به نسبت‌های مختلف بین این محلات تقسیم می‌شدند که به‌عنوان شاخه‌ها یا محله‌های فرعی معروف بودند (رضایی، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

با نزدیک شدن هشتم ذی‌حجه، مساجد و اهالی محلات شش‌گانهٔ اردبیل و بازاریان مهیای استقبالی بزرگ می‌شوند. پرچم‌های محلات شش‌گانه برای استقبال به اهتزاز درمی‌آیند. رئیس محلهٔ عالی‌قاپو چند روز قبل از هشتم ذی‌حجه، در یکی از مراسم شهر یا محله، ساعت حرکت دستهٔ زنجیرزان محلهٔ عالی‌قاپو در هشتم ذی‌حجه را اعلام می‌کند. این خبر به سرعت در محافل و مراکز شهر پخش می‌شود و تعزیه‌داران از ساعت حرکت دستهٔ زنجیرزان محلهٔ

عالی‌قاپو مطلع می‌شوند و کارهای خود را طوری تنظیم می‌کنند که بتوانند در مجلس عزاداری شرکت کنند. ترتیب حرکت دسته در این روز چنین است که در پیشاپیش دسته زنجیرزان، بیرقی حرکت داده می‌شود که گروه طبال به دنبال آن حرکت می‌کنند. پس از گروه طبال، ریش‌سفیدان و همراهی‌کنندگان دسته زنجیرزان حرکت می‌کنند. سپس بیرق مخصوص دسته زنجیرزان محله عالی‌قاپو حرکت داده می‌شود. به دنبال این بیرق مخصوص، رؤسای محلات شش‌گانه و اعضای دسته زنجیرزان محله عالی‌قاپو به صورت دوستونی و پشت سرهم و در حالت زنجیرزنی، رجزخوانی یا تکرار شاه‌بیت اشعار نوحه‌خوان حرکت می‌کنند. در طی مسیر اشعار مختلفی توسط نوحه‌خوان خوانده می‌شود و اعضای دسته آن را تکرار می‌کنند. مطلع شعر سنتی و مخصوص هشتم ذی‌حجه که هنگام آغاز حرکت خوانده می‌شود چنین است: «لاله زار اولاً حسین کربلاسی آزالور» (زمان زیادی نمانده تا کربلای امام حسین لاله‌زار شود).

در طول مسیر عزاداری و در روز هشتم ذی‌حجه درباره احوال و سرگذشت‌های متفاوت شخصیت‌های حادثه کربلا صحبت می‌شود. در محله‌های گازران و عالی‌قاپو از احوال خروج کاروان امام حسین (ع) از مدینه خوانده می‌شود. در مسجد اعظم احوال مسلم بن عقیل در کوفه خوانده می‌شود. در مسجد جامع شهر کل تاریخ مربوط به احوال مسلم از هنگام فرستاده‌شدن به سوی کوفه تا هنگام شهادت ایشان خوانده می‌شود. احوال طفلان مسلم در مسجد محله اوچدکان و احوال حضرت ابوالفضل (ع) در مسجد محله پیرعبدالملک خوانده می‌شود (بلبلی، ۱۳۸۵: ۵۹). جماعت عزادار با شنیدن اشعاری که در این روز خوانده می‌شود و نزدیک‌بودن سالروز شهادت امام حسین (ع) و هفتاد و دو تن از یارانش را می‌رساند، غرق در ماتم می‌شوند.

سنت تشنه‌گذاری در اردبیل

واقعه کربلا و بسته‌شدن فرات به روی امام حسین (ع) و یارانش و ایثارگری‌های سقای کربلا (حضرت ابوالفضل) برای رسانیدن آب به تشنگان، و حماسه‌آفرینی آنانی که با لبانی تشنه شهد شهادت را نوشیدند، به یقین قداست و جایگاه والای آب را در فرهنگ شیعیان و بخصوص ایرانیان، که از دیرباز نیز از جایگاه خاص و معنوی برخوردار بوده، عمق و وسعت بسیاری بخشیده است.

از جمله مراسمی که می‌توان در این زمینه معرفی کرد، مراسم «تشنه‌گذاری» است که به طور خاص منسوب به اردبیل است. بیوک جامعی، پژوهشگر تاریخ اردبیل و عضو هیئت امنای

محلات شش‌گانه شهر، در گفتگو با محققان ضمن اشاره به این نکته که آیین تشریح‌گذاری به مناسبت آغاز روزهای عزاداری شهدای کربلا، فقط در شهر اردبیل دارای سابقه تاریخی است اظهار می‌کند: «مراسم تشریح‌گذاری از روز ۲۷ ذی‌حجه تا اول ماه محرم، یعنی در فاصله سه روز، در نزدیک به ۲۰۰ مسجد اردبیل برگزار می‌شود. اولین تشریح‌گذاری رسمی شهر روز ۲۷ ذی‌حجه، پس از نماز مغرب در مسجد جامع شهر، صورت می‌گیرد و سپس طی روزهای باقی‌مانده تا آغاز ماه محرم، بقیه محله‌ها هم اقدام به برگزاری این مراسم می‌کنند». جامعی نحوه تشریح‌گذاری مسجد جامع اردبیل را این‌گونه شرح می‌دهد: «تشریح‌گذاری مسجد جامع شهر توسط عزاداران حسینی محله طوی (یکی از محلات شش‌گانه شهر) مدیریت می‌شود. چند روز مانده به ۲۷ ذی‌حجه تعدادی از زنان محله طوی اقدام به نظافت مسجد جامع و شستشوی تشریح‌ها می‌کنند و سپس تشریح‌ها را در گوشه‌ای از مسجد قرار می‌دهند. در مسجد جامع اردبیل به نشان شش محله اصلی شهر، شش تشریح آب وجود دارد. در روز تشریح‌گذاری مسجد جامع، علاوه بر عزاداران محله طوی و توابع آن، ریش‌سفیدها یا رؤسا و هیئت امنای پنج محله دیگر نیز حضور می‌یابند. بعد از عزاداری حسینیان محله طوی و محلات تابع آن، تشریح هر محله توسط نماینده همان محله، با کمک جوانان و در میان غلغله و ازدحام جمعیت، به دوش گرفته می‌شود و روی سکویی که برای تشریح‌ها در مسجد ساخته شده قرار می‌گیرد. بعد از قرارگرفتن آخرین تشریح روی سکوی موردنظر، عزاداران حسینی کوزه‌های آب را بر دوش می‌گیرند و میان ازدحام عزاداران، آب آن‌ها را درون تشریح‌ها خالی می‌کنند».

عضو هیئت امنای محله طوی تفاوت تشریح‌گذاری مسجد جامع با سایر محله‌ها و مساجد شهر را این‌طور بیان می‌کند: «فقط در تشریح‌گذاری مسجد جامع است که شش تشریح به نشان شش محله گذاشته می‌شود و ریش‌سفیدان پنج محله اصلی دیگر نیز حضور می‌یابند. در تشریح‌گذاری مساجد دیگر فقط عزاداران یک محله یا یک مسجد به نشان همدلی حضور می‌یابند و تعداد تشریح‌ها هم ثابت نیست. در هر حال باید گفت باشکوه‌ترین آیین تشریح‌گذاری متعلق به مسجد جامع شهر است».

انجام مراسم تشریح‌گذاری به‌منزله اعلام رسمی شروع عزاداری است و از آن روز مساجد و تکایا سیاه‌پوش می‌شوند و در بازار و خیابان‌ها پرچم‌های سیاه بر در مغازه‌ها و مراکز تجاری به اهتزاز درمی‌آیند و جشن‌ها و شادمانی‌ها تعطیل می‌گردد و تفریحات معمولی کمتر می‌شود.

ریشه و مبنای تشریح‌گذاری و تاریخ رواج آن معلوم نیست، ولی مردم معتقدند این سنت به تاسی از رفتار جوانمردانه امام حسین (ع) در مقابل سپاه حرّ است که به روایتی آن حضرت در روز ۲۷ ذی‌حجه آب مشک‌ها را در تشریح‌ها ریخته و تمام لشکر حرّ و اسب‌های آن‌ها را سیراب

کردند. «تعبیر ظاهری تشت‌گذاری چنین است که چون حضرت حسین بن علی در کربلا تشنه به شهادت رسیده است به یادبود تشنگی آن شخصیت بزرگ مذهبی سکنه اردبیل در مساجد و تکایا تشت‌های پر از آب می‌گذارند تا تشنگان با جام‌های کوچکی که روی آن قرار می‌دهند از آن آب بنوشند و به‌عنوان احسان رفع عطش نمایند. برخی چنین می‌پندارند که در قدیم در مساجد که محل اجتماعات بوده به آب‌خوردن احتیاج پیدا می‌کردند و لذا در جای مخصوصی در تشت مسی که ظرف متناسب با آن ایام بوده، در گوشه‌ای از مسجد آب در دسترس مردم می‌گذاشتند و این کار در طول زمان رنگ مذهبی به خود گرفته و کم‌کم به صورت انجام مراسم خاص شکل گرفته‌است» (صفری، ۱۳۷۰: ۱۲۷).

عزاداری محرم

از آغاز ماه محرم مساجد و تکایا و بازار و خیابان‌های شهر سیاه‌پوش می‌شوند، پرچم‌های سیاه بر سر در مغازه‌ها نصب می‌گردد و صدای نوارهای نوحه‌خوانی از خیابان‌ها و کوی و برزن به گوش می‌رسد. گفتنی است که قبل از شروع ماه محرم هر محله برای خود نوحه‌خوانی را در نظر می‌گیرد که حقوق ایام محرم برای مداحان معمولاً از طریق نذورات نقدی که اهالی می‌پردازند یا مبالغی که به‌عنوان خرجی مسجد جمع‌آوری می‌شود تأمین می‌گردد.

عزاداری در ماه محرم به صورت مفصل و با تجمع اهالی در مسجد شروع می‌شود و پس از جمع‌شدن اهالی محله در مسجد یکی از ریش‌سفیدان محله ضمن سخنرانی کوتاهی در مورد رعایت نظم و انضباط در این ده روز، پول‌های اهدایی حاضران را جمع‌آوری می‌کند که این مبالغ هزینه‌های مسجد از قبیل مخارج عمرانی، مستمری نوحه‌خوان، امام جماعت، خادم مسجد و... را تأمین می‌کند. سپس محله‌هایی که مقرر است در آن شب عزاداری در آن‌ها صورت گیرد توسط رئیس محله به اهالی اعلام می‌گردد.

پیش از همه، پرچم یا بیرق محله که توسط چند نفر حمل می‌شود به علامت آماده‌باش جهت حرکت دسته عزاداری از مسجد بیرون برده می‌شود. به دنبال آن عزاداران از مسجد خارج شده و با دستور رئیس دسته به طرف مقصد مورد نظر حرکت می‌کنند. در این هنگام، دسته طبل‌زن نیز با به صدا درآوردن طبل و شیپور دسته عزاداران محله را مشایعت می‌کنند.

عده‌ای از اهالی محله به اتفاق یکی از اعضای هیئت امنا در مسجد می‌مانند تا از دستجات عزاداری میهمان پذیرایی کنند. بدین ترتیب، دسته‌های عزادار تا پاسی از شب گذشته در چند مسجد حاضر می‌شوند و به سوگواری سرور شهیدان می‌پردازند. بعد از پایان هر عزاداری با چای و شیر از دستجات عزادار میهمان پذیرایی به عمل می‌آید.

«روزی که نوبت عزاداری محله‌ای در بازار می‌رسد، جوانان و مردان در حالی که پیراهن سیاه بلندی پوشیده و سر خود را نیز با دستمال سیاهی بسته‌اند، از ظهر در حسینیه‌ها یا مسجد خود جمع می‌شوند و پس از آنکه ترتیبات لازم از طرف رئیس و ریش‌سفید محله داده شد حرکت می‌کنند» (صفری، ۱۳۷۰: ۱۳۴).

مقصد دسته‌ها در بازار معمولاً راسته بازار است که بزرگ‌ترین بازار شهر است و مسجد جامع نیز در آن واقع شده است. در طول این بازار دسته در جنب مسجد جامع توقف می‌کند و عزاداری می‌کنند. وقتی خط سیر دسته به پایان رسید و به نقطه اولیه حرکت خود بازگشت، مراسم پایان می‌یابد و فردا نوبت به محله دیگر می‌رسد.

تاسوعا در اردبیل

از اولین ساعات روز تاسوعا جنب و جوش مردم در زمینه عزاداری بیشتر می‌شود و همه افرادی که به هر دلیلی تا آن زمان نتوانسته‌اند در مراسم عزاداری شرکت کنند، سعی می‌کنند در این روز در برپایی این مراسم نقش ایفا نمایند.

در روز تاسوعا اردبیلی‌ها در چهل‌ویک مسجد شمع روشن می‌کنند که این شمع‌ها نذری است و معمولاً اشخاص برای برآورده شدن حاجات خود نذر می‌کنند. وقتی عزاداران به مسجد می‌رسند، در ظرف‌های مخصوص شمع‌سوز، شمع‌ها را روشن می‌کنند و حاجات خود را طلب می‌نمایند.

عصر تاسوعا، مردم با پوشیدن لباس‌های سیاه، گاه پابرنه، به سمت مساجد حرکت می‌کنند. آشنایی با چهل‌ویک مسجد و طی فاصله آن‌ها کار مشکلی است. برنامه شمع‌گردانی باید طوری ترتیب داده شود که مساجد پشت سر هم و نزدیک به هم باشند. عمل شمع‌گردانی ممکن است به صورت انفرادی، چندنفری یا گروهی صورت گیرد. اگر این عمل گروهی صورت گیرد، معمولاً برای هر دسته یک نفر سرگروه برگزیده می‌شود که این فرد با مسیر چهل‌ویک مسجد موردنظر کاملاً آشناست و در پیشاپیش دسته حرکت می‌کند. وی علاوه بر رجزخوانی و فرستادن صلوات بر پیامبر و ائمه اطهار (س) با صدای بلند و رسای خود، افراد دسته را راهنمایی می‌کند.

در بعضی از مساجد به افراد دسته‌ها شربت می‌دهند و برخی دیگر با چای پذیرایی می‌کنند و صندلی و نیمکت‌هایی هم برای استراحت خستگان می‌گذارند. این دسته‌ها موقع حرکت در کوچه‌ها و ورودی مساجد اشعار تأثرآوری درباره شب عاشورا می‌خوانند و چون دو دسته به هم

می‌رسند، با صدای بلند از التماس دعا می‌گویند. یکی از اشعاری که بیشتر دسته‌ها در این روز می‌خوانند چنین است:

بیر بو گنجه اکبر دو سنه یار سکینه
صبح اولوسان شمره گرفتار سکینه
این بیت خطاب به سکینه^۱ است و ترجمه فارسی آن چنین است: یک امشب است که برادرت علی اکبر (ع) یار و همراه تو است و فردا تو گرفتار شمر خواهی شد.
وقتی آفتاب غروب می‌کند و شب آغاز می‌شود، مردم و دسته‌های شمع‌گردان در مساجد در کنار تشت جمع می‌شوند و فاتحه و دعا می‌خوانند. هر جمله‌ای از دعا که به پایان می‌رسد، همه حاضران با هم و با صدای بلند آمین می‌گویند. جنب و جوش مردم در شب عاشورا خیلی زودتر از شب‌های دیگر خاموش می‌شود و یکی دو ساعت از شب رفته، شهر در سکوت عمیقی فرو می‌رود.

عاشورا در اردبیل

روز عاشورا اردبیل چهره حزن‌انگیزی دارد. همه غمگین و ماتم‌زده‌اند و گویی غم و اندوه از همه جا می‌بارد. در این روز مردم غالباً صبح زود از خواب برمی‌خیزند و در بیشتر خانه‌ها به خواندن زیارت عاشورا مشغول می‌شوند. چون از زیارتنامه و صرف صبحانه فارغ شدند، برای شرکت در دسته‌ها یا تماشای آن‌ها به مساجد می‌روند.

در صبح عاشورا در هر محله‌ای صدای طبل بلند می‌شود و سینه‌زنان یکی‌یکی جمع می‌شوند. حوالی ساعت ۸ دستجات عزادار از مقابل مسجد حرکت خود را به سوی خیابان‌های اصلی شهر آغاز می‌کنند. آرایش دسته‌های هر محله معمولاً به این صورت است که در جلوی دسته، طوق و پرچم‌های مختلف، که مضامینی درباره وقایع عاشورا دارند، توسط عده‌ای حمل می‌شود. دسته اول، ریش‌سفیدان و بزرگان محله هستند. دسته‌های بعدی به ترتیب گروه طبال، انبوهی از سینه‌زنان و در برخی از محلات دسته‌های شبیه‌خوان‌اند.

به فاصله یک تا دو ساعت، دستجات مختلف خیابان‌های اصلی را مملو از جمعیت عزادار می‌کنند که نوحه‌خوانان در این میان نقش اصلی را ایفا می‌کنند و به خواندن اشعاری از واقعه خونین کربلا و مصیبت امام حسین (ع) و بارانش می‌پردازند. بیشترین تجمع مردم عزادار در این روز در میدان عالی‌قاپو، چهارراه امام خمینی و سرچشمه است. در ظهر عاشورا دستجات عزاداری، طوق‌ها و بیرق‌های خود را از حالت افراشته درمی‌آورند و به اصطلاح می‌خوابانند و به این ترتیب یاد ظهر عاشورا را که امام حسین (ع) به شهادت رسید گرامی می‌دارند.

۱. به اعتقاد برخی دختر کوچک حضرت حسین بن علی (ع) بوده است.

مراسم عاشورا معمولاً حوالی ساعت یک بعدازظهر پایان می‌یابد. ساکنان اردبیل، مثل دیگر مردم ایران، حدود یک ساعت و نیم بعد از ظهر عاشورا را ساعت قتل آن حضرت می‌دانند و لذا دسته‌ها به هم می‌خورند و هرکسی برای صرف ناهار می‌رود. در بیشتر خانه‌ها ناهار آماده است و شاید به قدر یک وعده غذای عموم اهالی شهر در آن روز در مجموع خانه‌هایی که احسان می‌کنند غذا تهیه می‌شود و مردم را برای صرف ناهار به خانه‌ها دعوت می‌کنند. خوابیدن بعدازظهر عاشورا را در این شهر کار شایسته‌ای نمی‌دانند و چنین می‌پندارند که خواب بعدازظهر آن روز بدبختی می‌آورد و از این جهت است که مردم غالباً به مساجد می‌روند یا با خواندن زیارتنامه روز را به شب می‌آورند.

غروب عاشورا

بعد از غروب آفتاب روز عاشورا مراسم شام غریبان به یاد مصائبی که در آن شب بر اهل بیت امام حسین (ع) وارد شده اجرا می‌گردد. برای برپایی مراسم شام غریبان همه عزاداران به مسجد محله خود می‌روند. رئیس محله به قرائت صلوات و فاتحه می‌پردازد و به آنان که با قدم، قلم، مال و علم خویش در جهت اقامه عزای امام حسین (ع) کمک کرده‌اند صلوات می‌فرستد. آن‌گاه سینه‌زنان در مسجد به دو دسته تقسیم می‌شوند و هر دسته‌ای شعاری می‌گویند. دسته اول:

گلمیشوک ای شیعه لر، شام غریبانه بیز
وئرمگه باش ساغلیقی، زینب نالانه بیز
(ای شیعیان ما برای شام غریبان آمده‌ایم، برای سرسلامتی گفتن به حضرت زینب نالان آمده‌ایم).

دسته دوم:

شیعه باشون ساغ اولسون بیر ماتم و عزا ده
اولدار دا مولی حسین صحرای کربلا ده
(شیعه سرت سلامت باد در این ماتم و عزا، کشتند حسین را در صحرای کربلا).
در پایان، نوحه‌خوان به ذکر مصائب می‌پردازد و غالباً درباره احوالات اهل بیت امام حسین (ع) و اطفال آن حضرت اشعاری می‌خواند (عنصری، ۱۳۸۲). خستگی مردم در این شب موجب کوتاهی مراسم می‌شود و هنوز دو ساعت از شب نگذشته خانواده‌ها در خواب عمیق و شهر در سکوتی سنگین فرو می‌رود.

ب) وسائل و نشانه‌های عزاداری

علائم و وسائلی که در مراسم وجود دارند، از جمله قراردادهای اجتماعی هستند که طی سالیان متمادی به وجود آمده‌اند. نمادهایی که امروزه می‌بینیم طی سال‌های متمادی وسیله‌ای بوده‌اند برای اظهارعلاقه به خاندان اهل بیت(ع) و اظهار خشم به اشقیاء و خاندان مکر و فساد. این نمادها طی اعصار سینه به سینه و نسل به نسل و دست به دست گشته‌اند تا بتوانند بیان‌کننده‌ی ظاهر عاشورا باشند. از جمله مهم‌ترین علائم و وسائلی که به‌عنوان نشانه‌هایی از حوادث عاشورا در مراسم عزاداری اردبیل به کار می‌روند، می‌توان به تشت، طوق و بیرق یا پرچم اشاره کرد. در این بخش به بررسی سه نماد مذکور که در مراسم عزاداری اردبیل نقشی اساسی دارند پرداخته می‌شود.

تشت

در آیین تشت‌گذاری، که پیشتر به آن اشاره شد، تشت نماد مشک سقّای کربلا، نماد آب، نماد رود و نماد فرات است که به روی حسین(ع) و یارانش بسته شد. بیوک جامعی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر تاریخ اردبیل، درخصوص تشت‌گذاری و علل انجام این کار چند احتمال را مطرح می‌کند. بنا به گفته‌ی وی تشت‌گذاری از یک طرف اهمیت مسئله‌ی آب را نشان می‌دهد؛ چرا که ایران کشوری نیمه‌خشک است و عراق و عربستان نیز کشورهای خشک به حساب می‌آیند. از طرف دیگر، آب در واقعه‌ی کربلا جایگاه ویژه‌ای دارد. بر اساس مدارک تاریخی احتمال می‌رود حسین بن علی، در شهریورماه، که به "خرماپزان" معروف است، مکه را به سمت عراق ترک کرده باشد. براساس روایت‌های تاریخی، پیش از رسیدن حسین بن علی و یاران و اهل بیتش به کربلا، "حرّ" برای بار نخست در منطقه‌ای به اسم "زباله" راه را بر امام سوم شیعیان می‌بندد و کاروان وی را متوقف می‌سازد. حسین بن علی، همان‌جا، با وجود کمبود آب، دستور می‌دهد تشت‌هایی را که همراه کاروان بوده زمین بگذارند و آب مشک‌ها را درون تشت‌ها خالی کنند تا هم یاران خودش و هم سربازان حرّ از آن آب بنوشند و هر دو طرف، چارپایانشان را نیز سیراب کنند. این اتفاق هم می‌تواند یکی از دلایل ظهور مراسم تشت‌گذاری محسوب شود. علاوه بر این، اهمیت آب در روزهای تاسوعا و عاشورا هم بر کسی پوشیده نیست. اما نیاز عزاداران حسینی به نوشیدن آب نیز مقوله‌ی دیگری است که در بررسی ریشه‌های تشت‌گذاری نباید به آن بی‌توجه بود؛ چنانچه در قدیم، که آب آشامیدنی را از چاه‌های سنگی مجاور شهر اردبیل کشیده و با گاری به شهر می‌آوردند، آب موجود در تشت‌ها - که مدام نیز پر می‌شد- می‌توانست نیاز عزاداران را به آب آشامیدنی تأمین کند. درنهایت، باید بزرگداشت آب به یاد حرکت عاشورا را

یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد آیین تشریح‌گذاری عنوان کرد و تشریح‌گذاری را رسمی‌ترین استقبال اردبیلی‌ها از روزهای عزاداری امام حسین(ع) دانست.

طوق

در فرهنگ معین آمده است که علم یا طوق «پرچمی است که در ایام عزاداری، دسته‌های عزادار آن را بلند کرده و مردم به دنبال آن حرکت می‌کنند». در مراسم تعزیه‌داری و مخصوصاً برای دسته‌گردانی، هر محله طوق مخصوص به خود دارد که از طوق‌های محله‌های دیگر متمایز است و هنگام عزاداری، اهل محل به دنبال آن راه می‌افتند و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌کنند. طوق یکی از اصلی‌ترین ابزارهای نمایشی عزاداری به شمار می‌رود. نقش‌ها، حجم‌ها و پارچه‌های سمبلیک هرکدام یادآور واقعه‌ای از صحنه‌های عاشورا است. برای تزئین طوق‌ها از پارچه‌های رنگین سرخ، سفید، سبز، زرد و سیاه استفاده می‌شود که آن‌ها را در قسمت افقی طوق می‌بندند. گفته می‌شود که در طوق به‌کارگیری پارچه‌های گوناگون مظهر ستیز نیروهای خیر با شر و حق با باطل است. برای مثال انتخاب رنگ سبز در برابر قرمز با این هدف صورت می‌گیرد.

مهم‌ترین نقش بر روی طوق‌ها نقش پنجه است که نمادی از دست بریده حضرت عباس(ع) است. مردم از آن شفاعت می‌جویند و آن را مظهر دادخواهی و استجابت می‌پندارند. پنجه به غیر از این مفهوم، علامت پنج‌تن آل‌عباست، خصوصاً در کف آن اسماء مقدس پنج‌تن را حک می‌کنند. از دیگر نقوش مورد استفاده در طوق می‌توان به نقش پرندگانی چون کبوتر، طاووس، گنجشک و غیره اشاره کرد. در فرهنگ عامه مردم پرندگان مظهر زیبایی و مظلومیت‌اند. یکی از باورهای مردم در روز عاشورا پرندگان خون‌چکان بودند. اینان در واقعه کربلا اشک خون می‌ریختند و از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌رفتند و واقعه کربلا را برای مردم بلاد دیگر بیان می‌کردند. علاوه بر این، پرندگان نشان و مظهری از اوج و پرواز هستند. بالاخره، حجم فلزی مهمی که در اغلب طوق‌ها دیده می‌شود نقش شیر است. شیر نماد میترا، خورشید، تابستان، گرما، پیروزی، قدرت، نور و غیره است. شیعیان شیر را نمود حضرت علی(ع) می‌دانند و به آن حضرت لقب اسدالله داده‌اند. در برخی روایات شیر را همراه و همدم امامان دانسته‌اند که از جمله می‌توان به شیری که در واقعه عاشورا به یاری امام حسین(ع) آمد اشاره کرد.

بیرق یا پرچم

در مراسم عزاداری دههٔ محرم دستجات عزادار هرکدام برای خود بیرقی دارند که آن را در جلو دسته حرکت می‌دهند تا معرف و نماد آن دسته باشد. «پرچم معمولاً به دو شکل است: الف) مستطیل جلو هیئت (دو طرفش چوب می‌خورد). ب) مثلث قائم‌الزاویه که معمولاً باید جفت باشد و چپ و راست دوخته می‌شود، یعنی دو تا از این فرم بیرق‌ها به هم دوخته می‌شود (نوع تک‌چوبه)» (الهی، ۱۳۷۷: ۸۴).

پارچهٔ پرچم به رنگ سبز، سفید، سیاه و قرمز است. رنگ سبز نشانهٔ قداست و پاکی، رنگ سیاه نشانهٔ سوگ، رنگ قرمز نمادی از شهادت و خون سرخ امام حسین (ع) و یارانش، و رنگ سفید نشانهٔ پاکی و ایثار آن‌هاست. روی پارچهٔ بیرق‌ها، آیات و جملاتی چون نصر من الله و فتح قریب، إن الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة با خط نستعلیق و نسخ حک شده است. این نوشته‌ها معمولاً با پارچهٔ زرد یا نارنجی گلدوزی شده‌اند که نمادی از خورشید روز عاشورا است.

اشکال و فرم‌هایی را که در پرچم‌های عاشورایی اردبیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند به طور کلی در دو نوع مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد. یکی اشکال و فرم‌هایی که از واقعهٔ عاشورا برداشت شده‌اند و دیگری تصاویر و تزئیناتی است که ریشه در طراحی‌های سنتی و کتاب‌آرایی و تذهیب دارند. به این ترتیب، نقوش اصلی متن پرچم‌های عاشورایی را می‌توان به صورت زیر مورد بررسی قرار داد: شیر و خورشید، پنجه، مَشک، شمشیر و غیره.

الف) شیر و خورشید: ایرانیان پس از اسلام "شیر و خورشید" باستانی را که میراث گذشتهٔ آنان بود، با رنگ‌وبویی دیگر مورد بهره‌برداری قرار دادند. از طرف دیگر، خورشید در فرهنگ اسلامی جایگاهی بلند دارد. چنان‌که وجود سوره‌های "شمس"، "الضحی" و "نور" تأییدی بر این جایگاه و مدعاست. این جایگاه چنان با عظمت و رفیع است که خداوند به خورشید و زمان طلوعش سوگند می‌خورد و در آیهٔ ۳۵ سورهٔ نور، خداوند خود را نور آسمان‌ها و زمین نامیده و می‌فرماید: «الله نور السماوات و الارض». وجود عنصر شیر نیز با وجود اینکه در ایران باستان و سایر دوره‌ها معنی و مفهوم دیگری داشته است، پس از اسلام به نمادی برای بیان قدرت ائمهٔ اطهار (ع) بدل شده است. چنان‌که علی (ع) را با لقب "اسدالله الغالب" می‌شناسیم.

ب) پنجه: بی‌تردید این تصویر نشانه‌ای بی‌واسطه از دست مبارک حضرت عباس (ع) علمدار کربلاست. هرچند که حضور پنجه در آیین و مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله (ع) به‌گونه‌ای دیگر نیز به‌کار رفته و به‌عنوان نمادی از پنج‌تن آل‌عبا مورد استفاده قرار گرفته است.

ج) مشک: این تصویر نیز نشانی از حضرت عباس(ع) است که با تیرهای روی آن و آبی که بر زمین جاری شده، در گوشه‌ای از زمینه پرچم، مظلومیت اهل بیت و یاران امام حسین(ع) را فریاد می‌زند.

د) شمشیر: شمشیر را در دو شکل مختلف در پرچم‌های عاشورایی می‌توان دید. اول شمشیری که در دست شیر داده می‌شود و دیگر شمشیری که به صورت دو سر طراحی می‌شود و ذوالفقار علی(ع) را به یاد می‌آورد. شمشیری که حضور قدرت و عدل و داد علوی را در این واقعه عظیم مورد تأکید قرار می‌دهد. عبارتی چون «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» از نوشته‌هایی است که بر روی تیغه این شمشیر نقش می‌بندد.

کارکردهای عاشورا

در تبیین پدیده‌های دینی با استفاده از مدل کارکردی سعی می‌شود تا کارکردهای اجتماعی دین بازشناخته شود و متناسب با آن دلایل وجودی آن پدیده عنوان شود. به طور کلی، از دیدگاه کارکردگرایی، علت دوام و استمرار دین و مراسم دینی کارکردهایی است که برای اجتماع بشری دارد (توسلی، ۱۳۸۰). بنابراین، برای شناخت کارکردهای اجتماعی مراسم محرم می‌توان از این دیدگاه استفاده کرد.

مراسم ایام محرم کارکردهای متعددی برای جامعه ایرانی دارد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای این مراسم ایجاد همبستگی است. کارکرد تجانس، وحدت و انسجام‌بخشیدن به جامعه و اعضای گروه اجتماعی را معمولاً دین و نظام‌های قانونی برعهده داشته‌اند. علاوه بر این، مراسمی دینی چون عاشورا، از مهم‌ترین عوامل بازدارنده ناهنجاری‌هاست و الگویی برای انجام اعمال صواب قلمداد می‌شود. در واقع، عاشورا یک الگو است. الگویی که در آن مقابله یک دسته کوچک اما با ایمان بزرگ در مقابل ظلم و پایمردی ایشان تا مرز شهادت نشان داده شده است. از سویی دیگر، در حالی که صنعتی‌شدن و فرآیند مدرنیسم در غرب باعث جدایی انسان‌ها می‌شود، مراسم مذهبی همچون عاشورا باعث پیوند بین نسل‌ها می‌شود و از دورافتادگی و جدایی انسان‌ها جلوگیری می‌کند. پیوستگی و استمرار فرهنگی کارکرد دیگری است که این مراسم انجام می‌دهد، چراکه در مراسم ایام محرم افراد متعلق به نسل‌های مختلف با یکدیگر در رابطه و تعامل قرار می‌گیرند. به طور کلی، می‌توان گفت که مهم‌ترین نقش محرم و عزاداری حسینی همین وحدت‌آفرینی و ایجاد وفاق اجتماعی حول اصول و قواعدی است که جوهر و روح فرهنگ ایران اسلامی است. جامعه‌پذیری، کاهش بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی، بازیابی هویت دینی، امید به آینده و... از جمله دیگر کارکردهای مراسم عاشورا است (باقی، ۱۳۷۹).

اینکه انبوهی از مردم در مراسم عاشورا در مکانی گرد هم می‌آیند و از طریق اعمال مشترک و کردارهای مشابه در کنار هم قرار می‌گیرند، فعالیت جمعی را به وجود می‌آورد و موجب می‌شود هر فرد خود را جزئی از گروه بداند و همانند گروه عمل کند. فرد با شرکت در این آیین‌ها و مناسک، عضوی از گروهی تلقی می‌شود که او را در مواقع خاص هدایت و حمایت می‌کند. بدین‌سان، «فرد» به «جمع» می‌پیوندد تا «هویت جمعی» پیدا کند. از آنجا که انسان موجودی گروه‌جوی و جمع‌گراست، یافتن هویت جمعی و تشخیص اجتماعی پاسخی رضایت‌بخش به یکی از نیازهای اساسی او به شمار می‌آید.

در آیین جمعی، هر فردی خود را جزئی از نیروی گروه می‌داند و احساسی از وجود چیزی در او ایجاد می‌شود که با زندگی روزمره‌اش به‌هیچ‌وجه قابل قیاس نیست. این چیز خارق‌العاده، که هم در درون فرد و هم در ورای ذهن فردی است، درست همان نیروی جمعی است. نیروی جمعی التزام به عقاید و اعمال اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و از این طریق میراث اجتماعی گروه را ابقا و احیا می‌کند و ارزش‌های آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد.

طی مناسک مذهبی، هنجارهای اخلاقی که خاستگاهی اجتماعی دارند، در فرد با قدرتی فزاینده درونی می‌شوند. به عبارت دیگر، «وجدان جمعی» طی مناسک جمعی در فرد ایجاد و تقویت می‌شود. عزاداران در طول مناسک عاشورا از حیات فردگرایانه روزمره با جهان حیات جمعی و وجدان جمعی پیوندی مجدد پیدا می‌کنند. لذا این مناسک عملاً همبستگی اجتماعی و اقتدار اخلاقی ملازم با آن را بازتولید می‌کند.

مناسک سوگواری حسینی در اردبیل علاوه بر انتقال پیام خود در قالب گفتار، این ابزارهای نمادین را یکی از بهترین شیوه‌های انتقال مفاهیم در نظر می‌گیرند. وجود علائم نمادین در مراسم عاشورا از آن جهت حائز اهمیت است که در نوعی زمینه و خاطره تاریخی - حماسی جای دارد و دیدن آن، خاطرات دینی و حوادث جانبی آن را تداعی می‌کند. نمادها همانند آیین‌های هستند که از ورای تاریخ، تصویر حوادثی را بر مخاطبان آشکار می‌سازند. وقتی به یک طوق به‌عنوان نماد نگاه می‌کنیم، می‌بینیم عناصر به‌کار رفته در آن، از جمله شمایل ائمه، شعر و کلام موزون و قرآنی، نقوش و پارچه‌های متعدد و غیره، با اینکه به‌سادگی در کنار هم قرار گرفته‌اند، ناهمگون و ناموزون انتخاب نشده‌اند و هرکدام مظهر حادثه‌ای است که روزگاری اتفاق افتاده است یا به باور مردم وجود داشته است. انتخاب حیواناتی مانند آهو که نماد رحم و رأفت امام رضا(ع) است و شیر که مظهر قدرت و هیبت حضرت علی(ع) است و پرندگانی که مظهر زیبایی و مظلومیت‌اند و در روز عاشورا خون‌چکان بوده‌اند، نمونه‌هایی گویا در این خصوص است.

مراسم عاشورا به واسطه آنکه از یک سو از طریق ملموس‌ترین نمادها در زندگی مردم حضور دارد و از سوی دیگر در سطح کیهان‌شناختی و جهان‌بینی نیز مرکزیت و اهمیت کلیدی خاص خودش را دارد، مهم‌ترین زمینه شکل‌گیری نمادهای مقدس را برای مردم تأمین می‌کند. چرا که به واسطه تسری در زندگی روزمره، جریان عادی زندگی مردم را معنادار می‌کند. لذا مؤمنی که حتی خوردن آب را نیز با گفتن «السلام علیک یا ابا عبدالله» وجه قدسی می‌بخشد، زندگی روزمره ناقدسی خودش را به واسطه حضور این نمادهای قدسی معنای عمیق‌تری می‌بخشد.

مراسم عاشورا از طریق قراردادن رنج در یک زمینه معنی‌دار، انسان را با آن تطبیق می‌دهد و با فراهم‌آوردن شیوه‌های خاصی از کنش می‌کوشد رنج را از این طریق قابل فهم سازد. توانایی انسان در فهم رنج در واقع به معنای توانایی پذیرش و تحمل آن است. شرکت در مراسم عزاداری، در ساده‌ترین و در عین حال گسترده‌ترین وجه ممکن، تقدس را به درون زندگی سرشار از فشار و ناکامی عزاداران تزریق می‌کند، تا هم نظم زندگی را برای آن‌ها تعبیر و تفسیر کند و هم حوادث رنج‌آلود را برای آن‌ها قابل تحمل سازد و هم اینکه با امید، روزهایی آرام و بدون رنج را نوید دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

دین به‌عنوان پدیده‌ای جهانی، مرکب از باورها و رفتارهایی است که به موجودات و نیروهای ماوراءطبیعی مربوط می‌شود، ولی در عین حال دارای کارکردهایی در جامعه است (کتک، ۲۰۰۸: ۲۹۹). یکی از مؤثرترین شیوه‌هایی که مردم با استفاده از آن می‌توانند فهم دینی خود را به شکلی نمادین پیوسته، ترویج، تأیید و منتقل کنند، «رسانه چندمنظوره آیین» (برونتون، ۱۹۸۰: ۷۳۴) است. این رسانه، همان‌گونه که دورکیم (۱۳۸۳) معتقد است، التزام به مجموعه‌ای از عقاید و اعمال اجتماعی را تحکیم می‌کند و آن‌طور که گیرتز (۱۹۷۳) می‌گوید در عرصه عقاید و اعمال کنش‌های انسانی را سامان می‌دهد.

اینکه انبوهی از مردم در مراسم عاشورا در مکانی گرد هم می‌آیند و از طریق اعمال مشترک و کردارهای مشابه در کنار هم قرار می‌گیرند، فعالیت جمعی را به وجود می‌آورد. این مراسم هر فردی را از خود بی‌خود می‌کند و موجب می‌شود که هر فرد خود را جزئی از گروه بداند و همانند گروه رفتار کند. فرد با شرکت در این آیین و مناسک، عضوی از گروهی تلقی می‌شود که او را در مواقع خاص هدایت و حمایت می‌کند. بدین‌سان، «فرد» به «جمع» می‌پیوندد تا «هویت جمعی» پیدا کند.

نیروی جمعی التزام به عقاید و اعمال اجتماعی را تحکیم می‌کند و از این طریق «میراث اجتماعی گروه را ابقا و احیا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد» (کوزر، ۱۳۷۰: ۲۰۰). افراد با شرکت در مناسک عاشورا، هویت اجتماعی‌شان را بازتولید و وظایف و حقوقشان را مجدداً یادآوری می‌کنند. مناسک درنهایت وجدان فردی افراد را با وجدان جمعی آمیخته و وجدان جمعی را در آن‌ها نهادینه می‌کند و ذهنیت دینی مردم نیز از خلال مناسک و در راستای کارکردهای اصلی آن شکل می‌گیرد. در طی مناسک مذهبی، هنجارهای اخلاقی که خاستگاهی اجتماعی دارند، در فرد با قدرتی فزاینده درونی می‌شوند. عزاداران طی مناسک عاشورا از حیات فردگرایانه روزمره، با جهان حیات جمعی و وجدان جمعی پیوندی مجدد پیدا می‌کنند.

اجتماعات انسانی در مناسک عزاداری برای اثبات وجود و ابراز عقاید و دیدگاه‌های خود از عناصر فراوانی استفاده می‌کنند. یکی از این صورت‌ها، گونه‌های نمادینی است که عزاداران به‌وسیله آن‌ها، پیشینه و باورهای خود را به صورتی غیرمستقیم به مخاطبان القا می‌کنند. وجود علائم نمادین در مراسم عاشورا از آن جهت حائز اهمیت است که در نوعی زمینه و خاطره تاریخی - حماسی جای دارد و دیدن آن، خاطرات دینی و حوادث جانبی آن را تداعی می‌کند. نمادها همانند آیین‌های هستند که از ورای تاریخ، تصویر حوادثی را بر مخاطبان آشکار می‌سازند. در جایی که لازم نیست کسی سخن بگوید، نه شعری نه سرودی و نه حرکتی، نمادها به کمک می‌آیند تا با زبان بی‌زبانی سخن بگویند و روایتی از آن حادثه را همراه با فرهنگ و ارزش‌هایش بیان کنند.

تمسک به نمادهای مشترک در حین برگزاری مراسم عزاداری تعلق افراد را به یک جمع معین نشان می‌دهد. علاوه بر آن، نمادها در مورد آنچه برای عینیت بخشیدن و قابل لمس کردن واقعیت‌های انتزاعی ذهنی یا اخلاقی جامعه انجام می‌دهند کارکرد دارند. مراسم عزاداری نظم و ترتیب خاصی را در اعمال و عقاید عزاداران ایجاد می‌کند و این نظم و ترتیب تأثیر بسزایی در موضوعات مختلف زندگی روزمره و فضای روزانه فهم عمومی می‌گذارد. این همان الگوی درک و برساختن هستی و جهان است که گیرتر بارها به آن اشاره کرده است.

دورکیم مهم‌ترین سازوکار اثرگذاری مناسک را نه در استدلال بلکه در ایجاد نوعی «احساس رضایت اخلاقی حاصل از به‌جا آوردن منظم مناسک» می‌داند. بنابراین، در مناسک مذهبی، استدلال منطقی و مستقیم درباب حقیقت یا سودمندی یک قضیه چندان مهم نیست، بلکه «احساس رضایت اخلاقی حاصل از به‌جا آوردن منظم مناسک» اثرگذار است. واعظان و رهبران مناسکی بدین‌سان نوعی پیش‌آمدگی روحی در شنوندگان برای پذیرفتن و باورکردن ایجاد

می‌کنند که مقدم بر برهان و استدلال است. از دیدگاه دورکیم، این پیش‌داوری مناسب و شوق به باورکردن در مؤمنان، درست همان چیزی است که ایمان را می‌سازد. به این معنا، دورکیم در بحث از مناسک، از «اصل بنیادی اعتماد» که امری ایمانی است تا استدلالی سخن می‌گوید.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۶۳) *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- الهی، محبوبه (۱۳۷۷) *تجلی عاشورا در هنر ایران*، تهران: آستان قدس رضوی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵) *دین‌پژوهی*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بلبلی، ربعلی (۱۳۸۵) *عزاداری در اردبیل*، قم: نوید اسلام.
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۹) *جامعه‌شناسی قیام امام حسین (ع) و مردم کوفه*، تهران: نی.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی دینی*، تهران: سخن.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و علیرضا قبادی (۱۳۸۶) «تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا»، *مجله تاریخ اسلام*، سال هشتم، شماره ۳۰: ۶۱-۳۷.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳) *صور ابتدایی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- رضایی، مالک (۱۳۷۹) «درآمدی بر سنت عزاداری ماه محرم در اردبیل»، در: *مجموعه مقالات نخستین همایش محرم*، تهران: سازمان میراث فرهنگی: ۱۶۴ - ۱۴۷.
- صفری، بابا (۱۳۷۰) *اردبیل در گذرگاه تاریخ*، چاپ دوم، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.
- عنصری، جابر (۱۳۸۲) *سلطان کربلا: شرح واقعه عاشورا و آیین‌های سوگواری ابا عبدالله-الحسین (ع) در ایران*، تهران: زرین و سیمین.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵) *پاره‌های انسان‌شناسی*، مجموعه مقاله‌های کوتاه، نقدها و گفتگوهای انسان‌شناختی، تهران: نی.
- فیاض، ابراهیم و جبار رحمانی (۱۳۸۵) «مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین‌ورزی اقشار فرودست شهری»، *فصلنامه انسان‌شناسی*، شماره ۴: ۲۳۸ - ۲۱۵.
- کوزر، لیویس (۱۳۷۰) *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: علمی.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبيان.

- Bell, C. (1992) *Ritual Theory, Ritual Practice*, New York, Oxford: Oxford University Press.
- Brunton, R. (1980) "Correspondence", *Man (NS)*, 15 (4): 734-35.
- Geertz., Clifford (1973) *Interpretation of Cultures*, New York: Basic Book.
- Kottak, Conrad, (2008) *Cultural Anthropology*, Twelfth Edition, NY: McGrawHill.
- Miller, Barbara D. (2005) *Cultural Anthropology*, Third Edition, Toronto: Pearson.

